

تاریخ پنهان آیه چهل — شماره بیست و هفت

حزقیال شماره هشت

Jeff Pippenger

2026-08-17

در کتاب حزقیال «سیزده» ارجاع به تاریخ‌ها وجود دارد؛ شش مورد به اورشلیم، شش مورد به مصر، و یک مورد به صور مربوط است. همه این ارجاعات در چارچوب عصیان قرار دارند، که عدد «سیزده» نماد آن است. در سالی که پس از مرگ همسر حزقیال بر اثر سکتة فرا رسید، و آغاز محاصره سوم را رقم زد، به حزقیال فرمان داده شد که بر ضد مصر سخن گوید و اعلام کند که آن سرزمین به مدت چهل سال ویران خواهد بود.

و زمین مصر را در میان سرزمین‌های ویران، ویران خواهم ساخت، و شهرهایش در میان شهرهای خراب‌شده، چهل سال ویران خواهند بود؛ و مصریان را در میان امت‌ها پراکنده خواهم ساخت و ایشان را در سرزمین‌ها پخش خواهم کرد. اما خداوند یهوه چنین می‌فرماید: در پایان چهل سال، مصریان را از میان قوم‌هایی که بدان‌جا پراکنده شده بودند، جمع خواهم کرد؛ و اسیران مصر را بازخواهم گردانید، و ایشان را به سرزمین پتروس، به سرزمین موطن ایشان، بازخواهم آورد؛ و ایشان در آن‌جا مملکتی خوار خواهند بود. حزقیال 12:14-29.

محاصره در سال ۵۸۸ ق.م آغاز شد، و یک سال بعد، در ۵۸۷ ق.م، به حزقیال فرمان داده شد که سخن بگوید. در آیه «هفده»، سال ۵۷۱ ق.م نشان می‌دهد که مصر در برابر خدمات انجام‌شده به بابل داده خواهد شد. زمان‌نگاران کتاب مقدس، ۵۶۷ ق.م تا ۵۲۷ ق.م را به عنوان دوره چهل‌ساله‌ای که در آیات مشخص شده است پیشنهاد می‌کنند، و از پیام آغازین داوری که در ۵۸۷ ق.م اعلام شد تا اعلان آیه هفده در ۵۷۱ ق.م مبنی بر اینکه خداوند مصر را به دست نبوکدنصر سپرده بود، ما یک دوره «هفده‌ساله» می‌یابیم.

لشکر نبوکدنصر لشکرکشی‌ای طولانی و دشوار را بر ضد صور به انجام رسانید (محاصره حدود ۱۳ سال به طول انجامید، تقریباً از ۵۸۶ تا ۵۷۳ ق.م). سربازان با نهایت سختی کار کردند («هر سر کچل شد و هر شانه از حمل بار ساییده و برهنه گردید»)، با این همه، از خود صور هیچ مزد یا غنیمت قابل توجهی به آنان نرسید. از این‌رو، خدا مقرر فرمود که مصر را به نبوکدنصر بدهد تا به عنوان جبران («مزد») برای کاری باشد که لشکر او بر ضد صور انجام داده بود.

و در همان خانه بمانید و از آنچه به شما می‌دهند بخورید و بنوشید، زیرا کارگر مستحق مزد خویش است. از خانه‌ای به خانه‌ای دیگر منتقل نشوید. لوقا 10:7.

از این‌رو نبوکدنصر نخست صور را گرفت و پس از آن محاصره سیزده‌ساله، مصر به او داده شد. پیش از آن‌که صور را بگیرد، در سال 586 ق.م. اورشلیم را گرفت؛ سپس محاصره‌ای سیزده‌ساله را علیه صور به انجام رساند، و پس از آن مصر را. اورشلیم در سال 586 ق.م. گرفته شد، و محاصره صور در سال 586 ق.م. آغاز گردید و تا سال 573 ق.م. ادامه یافت. عدد سیزده با ایالات متحده مرتبط است.

خواهر وایت به ما آگاه می‌سازد که اورشلیم در کتاب حزقیال، نمایانگر کلیسای لائودیکیه‌ای ادونتیست‌های روز هفتم است، و نبوکدنصر، پادشاه شمال، نمایانگر قدرت پاپی در ایام آخر می‌باشد. در تمثیل تاریخی باب بیست‌ونهم، دزدان قوم تو در ایام آخر که نمایانگر روم پاپی هستند، در آن باب سه موجودیت را مغلوب می‌سازند. نخست اورشلیم را می‌گیرد، سپس صور را، و سرانجام مصر را.

داوری از خانه خدا آغاز می‌شود، و شاخ پروتستانیسیم در ایالات متحده پیش از قانون یکشنبه نخست مغلوب می‌گردد. شاخ پروتستانیسیم مرتد در ایالات متحده شامل کلیسای لاودیکیه‌ای ادونتیست‌های روز هفتم است که نماینده قوم عهد «پیشین» است؛ قومی که از آن عبور می‌شود، چنان‌که از اسرائیل باستان در سال ۳۴ و از پروتستان‌ها در ۱۸۴۴ عبور شد. عبور از آن قوم پیشین عهد خدا در سال‌های ۳۴ و ۱۸۴۴، هر دو، در تاریخ نبوی نبوت دو هزار و سیصد ساله دانیال 8:14 به تصویر کشیده شده‌اند. داوری از خانه خدا آغاز می‌شود، و شاخ پروتستانیسیم پیش از شاخ جمهوری‌خواهی داوری می‌گردد.

زیرا زمان آن رسیده است که داوری از خانه خدا آغاز شود؛ و اگر نخست از ما آغاز گردد، فرجام کسانی که از انجیل خدا اطاعت نمی‌کنند چه خواهد بود؟ ۱ پطرس ۴:۱۷

نخستین اشاره به داوری مصر در آیه نخست باب بیست‌ونهم آمده است، و آخرین تاریخی که حزقیال در ارتباط با مصر ذکر می‌کند در آیه «هفده» همان باب است. این باب نشان می‌دهد که روم جدید نخست بر شاخ پروتستانیسیم غلبه می‌کند و سپس بر صور، که نماد شاخ جمهوری‌خواهی است و در قانون یکشنبه‌ای که به زودی خواهد آمد مغلوب می‌شود. هنگامی که صور (ایالات متحده) به دست نبوکدنصر در قانون یکشنبه تسخیر می‌شود، مصر نیز به دست او سپرده می‌گردد. در آن هنگام، زخم مهلک پاپیت شفا می‌یابد. نه تنها زخم مهلک پاپیت در آن زمان شفا می‌یابد، بلکه حزقیال به ما اعلام می‌دارد که این امر در دوران باران آخر رخ می‌دهد.

در آن روز، شاخ خاندان اسرائیل را خواهم رویانید، و به تو گشایش دهان در میان ایشان خواهم داد؛ و خواهند دانست که من یهوه هستم. حزقیال 29:21.

یعقوب و اسرائیل

اشعیا تصریح می‌کند که اسرائیل جوانه می‌زند، شکوفه می‌آورد و تمام زمین را از ثمر پر می‌سازد. این باران است که آن سه مرحله جوانه‌زدن، شکوفه‌آوردن و ثمرآوردن را پدید می‌آورد، و بنا بر گفته اشعیا، باران آخر هنگامی فرا می‌رسد که «باد تند» بازداشته شود. او همچنین تصریح می‌کند که در خلال دوره جوانه‌زدن، شکوفه‌آوردن و ثمرآوردن، گناهان یعقوب باید پاک گردد، و واژه عبری‌ای که به «پاک گردد» ترجمه شده است، همان «کفار» است.

در اندازه، آنگاه که آن را روانه می‌سازد، با آن محاکمه خواهی کرد؛ او در روز باد شرقی، باد تند خود را فرو می‌نشاند. پس بدین وسیله، گناه یعقوب پاک خواهد شد؛ و تمامی ثمر این است که گناه او برداشته شود؛ هنگامی که او همه سنگ‌های مذبح را همچون سنگ‌های گچ خردشده و شکسته گرداند، بی‌شه‌ها و تمثال‌ها برپا نخواهند ماند. اشعیا ۲۷:۸، ۹.

هنگامی که چهار باد نزاع (باد سخت) او بازداشته می‌شوند، مهرگذاری یک‌صد و چهل و چهار هزار تن آغاز می‌گردد، و دانایان و شریان ادونتیسیم در نهایت از یکدیگر جدا می‌شوند، و همه این‌ها در «روز باد شرقی» به انجام می‌رسد. زمان مهرگذاری با پاشیدنی در 9/11 آغاز شد و با ریزشی کامل در قانون یکشنبه به پایان می‌رسد، آنگاه که زمین از میوه پر می‌شود. زمان مهرگذاری، تطهیر و پالایشی تدریجی، مطابق با ملاکی باب سه، است. اما در دوره هفده‌ساله‌ای که با تاریخ‌های آغاز و پایان حزقیال بیست و نه نشان داده شده است، فتح پادشاهی ششم نبوت کتاب مقدسی، آن‌گونه که به وسیله اورشلیم نمایانده شده است—نمادی از شاخ پروتستانیسیم، یعنی کلیسا—و صور، نمادی از شاخ جمهوری‌خواهی، یعنی دولت، رخ می‌دهد. اندکی پس از پایان محاصره سیزده‌ساله صور، فتح پادشاهی هفتم ده پادشاه که به وسیله مصر نمایانده شده است، واقع می‌شود. این سه فتح اورشلیم، صور و مصر، هنگامی رخ می‌دهد که «شاخ خاندان اسرائیل» جوانه می‌زند و گشایشی در دهان به او داده می‌شود.

لالی هر دو کاهن، یعنی حزقیال و زکریا، در هنگام قانون یکشنبه پایان می‌یابد، آنگاه که ایالات متحده و الاغ بلعام هر دو سخن می‌گویند. خداوند در هنگام قانون یکشنبه «گشایش دهان» را به خاندان اسرائیل عطا می‌کند. در آن هنگام، گناهان یعقوب پاک شده و نام او به خاندان اسرائیل تغییر می‌یابد. پیامی که ایشان اعلام می‌کنند، به وسیله سومین شاهد لالی نبوی، که با دانیال نمود یافته است، بازنمایی می‌شود؛ همان دانیالی که سپس پیام باب یازدهم دانیال را دریافت می‌کند، که همان رؤیای حبقوق نیز هست که آنگاه «سخن می‌گوید و دروغ نمی‌گوید.» حزقیال، زکریا و دانیال با اعلان فریاد بلند فرشته سوم همسو هستند؛ همچنان که ارمیا نیز در باب پانزدهم، آنجا که به او وعده داده می‌شود اگر از نومییدی نخستین بازگردد، دهان خدا خواهد بود.

چرا درد من دائمی است، و زخم من علاج‌ناپذیر، که از شفا یافتن سر باز می‌زنند؟ آیا تو برای من تماماً چون دروغ‌گویی خواهی بود، و چون آب‌هایی که فرو می‌نشینند؟ پس خداوند چنین می‌گوید: اگر بازگردی، آنگاه تو را باز خواهم آورد، و در حضور من خواهی ایستاد؛ و اگر گرانبها را از پست جدا سازی، همچون دهان من خواهی بود؛ بگذار ایشان به سوی تو بازگردند، اما تو به سوی ایشان باز مگرد. ارمیا 15:18، 19

عیسی پایان را با آغاز به تصویر می‌کشد، و در ۹/۱۱ آن پاشیدن آب، جوانه‌ها را پدید آورد و نهال یعقوب آغاز به رشد کرد؛ و سرانجام، هنگامی که گناه یعقوب زوده شود، خاندان اسرائیل سخن خواهد گفت. آن جوانه‌زدنی در ۹/۱۱ که به واسطه باران به انجام رسید، نمودار جوانه‌زدنی در پایان زمان مهر کردن است، آنگاه که «شاخ» خاندان اسرائیل جوانه می‌زند، درست در همان جایی که شاخ‌های پروتستانسیسم مرتد و جمهوری‌خواهی به دست نبوکدنصر مغلوب می‌شوند.

در آن هنگام، تمایز میان شاخ کاذب پروتستانسیسم در تقابل با شاخ حقیقی پروتستانسیسم قرار می‌گیرد؛ چنان‌که این امر به واسطه عصای هارون که جوانه زد، در تمایز از سایر عصاهای قبایل اسرائیل، به گونه‌ای نمادین نشان داده شده است. دو تاریخ مذکور در باب بیست و نهم حزقیال، تاریخ برافراشته شدن علم آن یکصد و چهل و چهار هزار نفر را در زمان قانون یکشنبه که به زودی خواهد آمد، مشخص می‌سازند.

فرایند جوانه‌زدن، شکوفه‌کردن و پُر ساختن زمین از میوه، با پاشیده‌شدن باران آخر در 9/11 آغاز شد؛ همان‌گونه که فصل پنتیکاست با آن آغاز گردید که مسیح چند قطره بر شاگردان خویش دمید، که به پنتیکاست انجامید، آنگاه که افاضه کامل واقع شد. جوانه‌زدن 9/11 در آغاز پالایش یعقوب (غاصب حق)، که زمان مهرگذاری است، نمونه جوانه‌زدن خاندان اسرائیل (غالب) در قانون یکشنبه بود. این جوانه‌زدن در پایان، تمایزی را میان قوم عهد پیشین و یکصد و چهل و چهار هزار برقرار می‌سازد؛ همان‌گونه که افاضه آتش بر کوه کرمل تمایزی میان نبی ایللیا و انبیای بعل پدید آورد. این تمایز به وسیله گروهی نمایانده می‌شود که از لحاظ نبوی از پیام جعلی صلح و سلامتی شرمسارند، و گروه دیگر از لحاظ نبوی شادمان‌اند، و هرگز شرمسار نخواهند شد.

شش تاریخ مصر

حزقیال چهار تاریخ دیگر را که با مصر مرتبط‌اند مشخص می‌کند؛ دو تا از آن تاریخ‌ها سال یازدهم را نشان می‌دهند، و دو تاریخ دیگر سال دوازدهم اسارت را مشخص می‌کنند.

محاصره سال یازدهم

و در سال یازدهم، در ماه اول، در روز هفتم ماه، واقع شد که کلام خداوند بر من نازل شده، گفت: «ای پسر انسان، من بازوی فرعون، پادشاه مصر، را شکسته‌ام؛ و اینک آن را نخواهند بست تا شفا یابد، و بر آن باندی نخواهند نهاد تا آن را ببندند و آن را نیرومند سازند که شمشیر را نگه دارد.»

حزقیال ۲۰:۳۰، ۲۱

و در سال یازدهم، در ماه سوم، در روز نخست ماه واقع شد که کلام خداوند بر من نازل شده، گفت: «ای پسر انسان، به فرعون، پادشاه مصر، و به انبوه قوم او بگو: در عظمت خویش به که مانند هستی؟» حزقیال ۳۱:۱، ۲

در سال یازدهم اسارت، در فصل سی‌ام، بازوان مصر و فرعون شکسته می‌شود و بازوان بابل نیرومند می‌گردد. در سال یازدهم، در فصل سی و یکم، سقوط مصر و تأثیر آن بر جهان مشخص می‌شود.

سال دوازدهم و سقوط اورشلیم

آن دو تاریخ در سال دوازدهم در حزقیال سی‌ودو آمده‌اند.

و در سال دوازدهم، در ماه دوازدهم، در روز اول ماه، واقع شد که کلام خداوند بر من نازل شده، گفت: «ای پسر انسان، بر فرعون، پادشاه مصر، مرثیه‌ای بردار و به او بگو: تو به شیر جوان امت‌ها مانی، و همچون هیولایی در دریاها هستی؛ و با نه‌های خویش بیرون آمدی، و آب‌ها را با پای‌های خود آشفته ساختی، و نه‌های ایشان را گل‌آلود کردی. خداوند یهوه چنین می‌فرماید: پس من نیز تور خود را با جماعتی از قوم‌های بسیار بر تو خواهم گسترانید، و ایشان تو را در تور من بالا خواهند آورد.» حزقیال ۳۲:۱-۳

و نیز واقع شد که در سال دوازدهم، در روز پانزدهم ماه، کلام خداوند بر من نازل شد که گفت: ای پسر انسان، بر انبوه مصر نوحه‌سرایی کن، و ایشان را، یعنی او را و دختران امت‌های نامدار را، با آنان که به هاویه فرو می‌روند، به اعماق زمین فرو افکن. حزقیال ۳۲:۱۷، ۱۸.

فرعون و جماعت انبوه او

در پیشگویی باب سی‌ویکم علیه مصر، آیات پایانی چنین بیان می‌دارند:

ملت‌ها را از صدای سقوط او به لرزه درآوردم، آنگاه که او را با آنان که به هاویه فرو می‌روند، به هاویه فرو افکندم؛ و همه درختان عدن، برگزیده و بهترین لبنان، همه آنان که آب می‌نوشند، در اعماق زمین تسلی خواهند یافت. آنان نیز با او به هاویه نزد آنان که به شمشیر کشته شده‌اند فرود رفتند؛ و آنان که بازوی او بودند، که در میان امت‌ها زیر سایه‌اش ساکن بودند. پس تو در جلال و عظمت، در میان درختان عدن، به کدامیک چنین مانند هستی؟ باین‌حال، تو نیز با درختان عدن به اعماق زمین فرو آورده خواهی شد؛ و در میان نامختونان با آنان که به شمشیر کشته شده‌اند خواهی آرمید. این است فرعون و تمامی انبوه او، خداوند یهوه می‌فرماید. حزقیال ۳۱:۱۶-۱۸.

در پیشگویی باب سی‌ودوم درباره مصر، آیات پایانی مضمون باب سی‌ویکم را تکرار کرده و بسط می‌دهند، و نیز شامل عبارتی پایانی موازی هستند.

زیرا من هراس خود را در سرزمین زندگان افکنده‌ام؛ و او در میان نامختونان، با آنان که به شمشیر کشته شده‌اند، نهاده خواهد شد، یعنی فرعون و تمامی انبوه او، خداوندگار یهوه می‌گوید. حزقیال ۳۲:۳۲.

هفده سال فصل بیست‌ونهم

تاریخ‌هایی که در دوره هفده ساله بازنمایی شده در فصل بیست و نهم قرار دارند، به نبوکدنصر که مصر را فتح می‌کند، و به دوره‌ای چهل ساله از ویرانی مصر اشاره می‌کنند. عدد چهل نمایانگر بیابان است و نمونه‌ای از آن هزار سالی است که زمین ویران و متروک خواهد بود.

زمین را نگریستم، و اینک بی‌شکل و خالی بود؛ و آسمان‌ها را، و ایشان را نوری نبود. کوه‌ها را نگریستم، و اینک می‌لرزیدند، و تمامی تپه‌ها به سبکی جنبش می‌کردند. نگریستم، و اینک انسانی نبود، و همه مرغان آسمان گریخته بودند. نگریستم، و اینک جای بارور، بیابان شده بود، و همه شهرهای آن در حضور خداوند و از شدت خشم او منهدم گردیده بود. زیرا خداوند چنین گفته است: تمامی این سرزمین ویران خواهد شد؛ اما من آن را به کلی پایان نخواهم داد. ارمیا ۲۷-۲۳:۴

در پایان چهل سال ویرانی مصر در حزقیال بیست و نهم، رستاخیز نهایی شیران و هلاکت غایی ایشان به تصویر کشیده می‌شود.

ترس، و چاه، و دام، بر تو است، ای ساکن زمین. و واقع خواهد شد که هر که از آواز ترس بگریزد، به چاه خواهد افتاد؛ و آن که از میان چاه برآید، در دام گرفتار خواهد شد؛ زیرا روزنه‌های علوی گشوده شده است، و بنیادهای زمین می‌لرزد. زمین بالکل شکسته می‌شود، زمین به تمامی از هم می‌پاشد، زمین به شدت متزلزل می‌گردد. زمین مانند مستی به این سو و آن سو خواهد تلوتلو خورد، و همچون کلبه‌ای جابه‌جا خواهد شد؛ و عصیان‌ش بر آن گران خواهد بود؛ و سقوط خواهد کرد، و دیگر بر نخواهد خاست. و در آن روز واقع خواهد شد که خداوند لشکر بلندمرتبان اعلی را در اعلی، و پادشاهان زمین را بر زمین، مجازات خواهد کرد. و ایشان، چنان که اسیران در چاه گرد آورده می‌شوند، با هم جمع خواهند شد، و در زندان محبوس خواهند گردید، و پس از ایام بسیار از ایشان بازخواست خواهد شد. اشعیا 22-24:17.

پیام حزقیال که به واسطه شش تاریخی که با مصر مرتبط است در کنار هم گرد آمده است، نابودی نهایی قدرت‌های اژدهای زمینی را مشخص می‌سازد؛ نابودی‌ای که با قانون یکشنبه به زودی آمدنی آغاز می‌شود و تا نابودی نهایی مصریان شیر در پایان هزاره ادامه می‌یابد.

در شهادت نبوی، وحش و نبی کاذب به پایان خود در دریاچه آتش می‌رسند، که نمایانگر آمدن ثانوی مسیح است؛ اما هلاکت اژدها در دریاچه آتش در پایان هزاره واقع می‌شود.

و آن وحش گرفته شد، و با او آن نبی کاذب که در حضور وی معجزات به عمل می‌آورد، و به وسیله آنها کسانی را که نشان وحش را پذیرفته بودند و آنان را که صورت او را می‌پرستیدند، فریب داده بود. هر دوی ایشان زنده به دریاچه‌ای از آتش که به گوگرد می‌سوخند افکنده شدند. و باقی‌ماندگان یا شمشیر آن که بر اسب سوار بود کشته شدند، شمشیری که از دهان او بیرون می‌آمد؛ و همه پرندگان از گوشت ایشان سیر شدند. مکاشفه ۱۹:۲۰، ۲۱

وحش و نبی کذاب از نظر نبوی در بازگشت دوم مسیح به پایان می‌رسند، اما اژدها هزار سال بعد، در بازگشت سوم مسیح، به سرنوشت خود دچار می‌شود.

و فرشته‌ای را دیدم که از آسمان فرود می‌آمد و کلید هاویه و زنجیری عظیم در دست داشت. و اژدها، آن مار قدیم را، که ابلیس و شیطان است، گرفت و او را برای هزار سال در بند نهاد، و او را به هاویه افکند و بر او را بست و مهر کرد، تا دیگر امت‌ها را گمراه نسازد، تا آن هزار سال به انجام رسد؛ و پس از آن باید برای زمانی اندک رها گردد. مکاشفه 20:1-3

سال‌های یازدهم و دوازدهم

دورهٔ «هفده ساله» ای که در دو تاریخ حزقیال بیست و نهم بیان شده است، در سال دهم اسارت آغاز شد و در سال بیست و هفتم پایان یافت. پیام‌های فصل‌های سی و سی و یکم در سال یازدهم بیان گردیدند، و دو تاریخی که در فصل سی و دوم ذکر شده‌اند، در سال دوازدهم اسارت داده شدند. دورهٔ هفده ساله‌ای که در سال دهم آغاز شد، تقریباً هم‌زمان با آغاز محاصرهٔ اورشلیم، و پس از آن، دو پیام مصری سال یازدهم که در فصل‌های سی و سی و یکم بیان شده‌اند، آمد. این دو پیام سال یازدهم، با هم، نمایانگر پیامی درست پیش از قانون یکشنبه‌اند. دو پیام مصری دیگر سال دوازدهم، در زمان یا اندکی پس از ویرانی اورشلیم در 586/585 ق.م. واقع شدند.

پیام آمدن مسیح به عنوان بخشی از پیام ندای نیمه شب اعلام می‌شود؛ پیامی که در هنگام قانون یکشنبه به پیام فریاد بلند تبدیل می‌گردد. دو پیام مصر پیش از قانون یکشنبه اعلام می‌شود، و دو پیام مصر در هنگام قانون یکشنبه یا اندکی پس از آن اعلام می‌گردد. دوچندان شدن پیام‌هایی که در همان سال، در خلال محاصره‌ای که به نابودی اورشلیم منتهی می‌شود، داده می‌شوند، و آن دو پیام دیگر در هنگام قانون یکشنبه، نمودگار پیام فرشته دوم‌اند، جایی که همواره یک دوچندان شدن وجود دارد.

پیام دوم همواره با پیام سوم دنبال می‌شود.

«ما باید با قلم و صدا این اعلام را طنین‌انداز سازیم، و ترتیب آن‌ها و کاربرد نبوت‌هایی را که ما را به پیام فرشته سوم می‌رساند، نشان دهیم. سومی نمی‌تواند بدون اول و دوم وجود داشته باشد. این پیام‌ها را باید از طریق انتشارات و در مواضع به جهان برسانیم، و در مسیر تاریخ نبوی، اموری را که بوده‌اند و اموری را که خواهند بود، آشکار سازیم.» Selected Messages, book 2, 104, 105

با پیام سوم، در مهلت آزمون بسته می‌شود. مهلت آزمون برای ایالات متحده با قانون یکشنبه بسته می‌شود، و مهلت آزمون برای جهان هنگامی بسته می‌شود که میکائیل برمی‌خیزد. هر دو در بسته نمایانگر پیام سوم‌اند که همواره مسبوق به پیام دوم است؛ پیامی که همواره پیامی دوگانه است.

توانمندسازی فرشته دوم هنگامی تحقق می‌یابد که پیام فریاد نیمه شب به آن بپیوندد. دو پیامی که بر انسان‌ها اعلام می‌شوند، چنان‌که در اعلام‌های حزقیال بر مصر در باب‌های سی و سی و یک به تصویر کشیده شده‌اند، مشخص می‌سازند که پیام فریاد نیمه شب چه هنگام به فرشته دوم می‌پیوندد؛ و دو پیام باب سی و دو، توانمندسازی فرشته سوم را در فریاد بلند مشخص می‌سازند.

چرخ‌های حزقیال در کنش متقابل پیچیده رویدادهای انسانی، واپسین هشدار برای نوع بشر را مشخص می‌سازد؛ هشدار که همان هشدار فرشته سوم است، و فرشته سوم از هشدارهای فرشته اول و دوم تشکیل شده است. ندای نیمه شب پیش از قانون یکشنبه و فریاد بلند پس از قانون یکشنبه، به وسیلهٔ چهار تاریخ حزقیال نمایانده شده است؛ تاریخ‌هایی که در درون هفده سال تاریخ‌های آلفا و اومگا باب بیست و نهم قرار می‌گیرند، تاریخ‌هایی که با تاریخ پنهان دانیال یازده آیهٔ چهل هم‌راستا هستند، چنان‌که در آیات یازده تا شانزده همان باب بازنموده شده است.

در باب دهم دانیال، دانیال، همانند حزقیال، لال گردانیده می‌شود. لال شدن دانیال در میان سه لمس پدید می‌آید؛ لمس نخست و سوم از سوی فرشته جبرائیل بود و لمس میانی، لمس مسیح بود. دانیال، همانند پطرس در فاصله میان قیصریه فیلیپی و صلیب، در میانه قرار دارد. در میانه، پطرس مسیح جلال یافته را دید، چنان‌که دانیال نیز در باب دهم دید. میانه سه فرشته، پیام دوم است که ترکیبی از دو پیام می‌باشد.

روز پنجم از ماه چهارم و 1844

در حزقیال باب اول، آیات یک و دو، حزقیال در روز پنجم ماه چهارم قرار دارد که با میانه حرکت ماه هفتم در سال ۱۸۴۴ منطبق است. حزقیال در میانه ۱۹ آوریل و ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ قرار دارد، همان گونه که سموئیل اسنو، رسول ندای نیمه شب در سال ۱۸۴۴، نیز چنین بود، آنگاه که نخستین دریافت روشن خود از این پیام را در بوستون عرضه کرد؛ ۹۳ روز پس از ۱۹ آوریل و ۹۳ روز پیش از بسته شدن در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴. سموئیل اسنو در ۲۱ ژوئیه ۱۸۴۴ در بوستون بود، در میانه حرکت ماه هفتم، بی آنکه آگاه باشد که به گونه ای نبوی، با پطرس بر کوه تجلی، با حزقیال در سال سیام هفدهمین چرخه یوبیل، و با دومین لمس دانیال در رؤیای آینه وار باب دهم ایستاده بود. سال ۲۰۲۶ نمایانگر چهل و هفتمین سال هفتادمین چرخه یوبیل است که در سال ۲۰۲۸ به پایان می رسد.

صور

پیش از آن که به تاریخ گذاری شش اشاره حزقیال به اورشلیم بازگردیم، نخست باید آن یک تاریخی را که علیه صور اعلام شده بود، مشخص کنیم.

و در سال یازدهم، در روز نخست ماه، چنین واقع شد که کلام خداوند بر من نازل شده، گفت: «ای پسر انسان، چون صور بر ضد اورشلیم گفته است: هان، آن که دروازه های قوم ها بود، شکسته شد؛ به سوی من برگشته است؛ اکنون که او ویران گشته است، من پر خواهم شد؛ از این رو خداوند یهوه چنین می فرماید: اینک من بر ضد تو هستم، ای صور، و امت های بسیار را بر تو خواهم آورد، چنان که دریا موج های خویش را برمی آورد. و ایشان حصارهای صور را منهدم خواهند کرد و برج هایش را فرو خواهند ریخت؛ و غبارش را نیز از رویش خواهم سترد و آن را چون برهنه سنجی خواهم ساخت. در میان دریا جای گستردن تورها خواهد شد، زیرا من سخن گفته ام، خداوند یهوه می فرماید؛ و برای امت ها به غنیمت بدل خواهد شد. و دخترانش که در صحرا هستند، به شمشیر کشته خواهند شد؛ و خواهند دانست که من یهوه هستم. زیرا خداوند یهوه چنین می فرماید: اینک نبوکدرصر، پادشاه بابل، پادشاه پادشاهان را از شمال، با اسبان و ارابه ها و سواران و جماعت ها و قومی بسیار، بر صور خواهم آورد.»

دخترانیت را در صحرا به شمشیر خواهد کشت؛ و بر ضد تو برج محاصره برپا خواهد کرد، و خاکریز بر ضد تو خواهد افراشت، و سپر را بر ضد تو بلند خواهد نمود. و آلات جنگی را بر ضد دیوارهایت برپا خواهد داشت، و برج هایت را با تیرهای خویش فرو خواهد ریخت. از فراوانی اسبان، غبار ایشان تو را خواهد پوشانید؛ دیوارهایت از صدای سواران و چرخ ها و ارابه ها خواهد لرزید، هنگامی که او از دروازه هایت داخل شود، چنان که مردمان به شهری رخنه کرده درمی آیند. با سم اسبان، همه کوچه هایت را پایمال خواهد کرد؛ قوم تو را به شمشیر خواهد کشت، و ستون های نیرومندی بر زمین خواهد افتاد. و ثروتت را به غارت خواهند برد، و بر تجارتت چپاول خواهند کرد؛ و دیوارهایت را فرو خواهند ریخت، و خانه های دلپذیرت را ویران خواهند ساخت؛ و سنگ ها و چوب ها و خاکت را در میان آب خواهند ریخت. و من صدای سرودهایت را از میان خواهم برداشت؛ و آواز بربط های دیگر شنیده نخواهد شد. و تو را مانند برهنه سنجی خواهم ساخت؛ جای گستردن تورها خواهی بود؛ دیگر بنا نخواهی شد؛ زیرا من یهوه این را گفته ام، خداوندگار یهوه می گوید.

خداوند یهوه به صور چنین می گوید: آیا جزایر از صدای سقوط تو نخواهند لرزید، آنگاه که مجروحان فریاد برآورند و کشتار در میان تو واقع شود؟ آنگاه همه امیران دریا از تخت های خویش فرود خواهند آمد، و خرقة های خود را از تن به در خواهند کرد، و جامه های زربفت خویش را بیرون خواهند آورد؛ خویشان را به لرزه ملیس خواهند ساخت؛ بر زمین خواهند نشست، و هر لحظه خواهند لرزید، و از تو مبهوت خواهند شد. و برای تو مرثیه ای برخوانند گرفت، و به تو خواهند گفت: چگونه هلاک شدی، ای آن که دریانوردان در تو ساکن بودند، ای شهر نامدار، که در دریا نیرومند بودی، تو و ساکنانت، که هراس خویش را بر همه آنان که در آن رفت و آمد می کردند،

مستولی می‌ساختید! اکنون در روز سقوط تو، جزایر خواهند لرزید؛ آری، جزایری که در دریا هستند، از رفتن تو مضطرب خواهند شد. زیرا خداوند یهوه چنین می‌گوید: هنگامی که تو را شهری ویران سازم، مانند شهرهایی که سکنه ندارند؛ هنگامی که ژرفا را بر تو برآورم، و آب‌های عظیم تو را بپوشانند؛ هنگامی که تو را با آنان که به هاویه فرو می‌روند، با قوم‌های روزگاران کهن، به زیر فرود آورم، و تو را در اعماق زمین، در جای‌های دیرزمانی ویران، با آنان که به هاویه فرود می‌روند، بنشانم، تا دیگر مسکون نباشی؛ و من جلال را در سرزمین زندگان برقرار سازم؛ تو را مایه هراس خواهم ساخت، و دیگر نخواهی بود؛ و اگرچه تو را بجویند، دیگر هرگز یافت نخواهی شد، می‌گوید خداوند یهوه. حزقیال 26:1-21.

پیام‌آور در سالی اعلام شد که اورشلیم ویران گردید، و این پیام نمایانگر سرنگونی ششمین پادشاهی نبوت کتاب مقدس در قانون یکشنبه‌ای قریب‌الوقوع است. در هنگام قانون یکشنبه‌ای، ایالات متحده (صور) از لحاظ نبوی شادی می‌کند، زیرا اورشلیم را سرنگون ساخته است؛ اورشلیمی که خواهر وایت آن را کلیسای ادونتیست روز هفتم لائودیکیه معرفی می‌کند، و حزقیال آن را «دروازه‌های قوم» می‌خواند. صور تصریح می‌کند که اورشلیم «بود» دروازه‌های قوم، با به‌کارگیری زمان گذشته. از لحاظ نبوی، «دروازه» یک کلیساست.

و ترسید و گفت: «این مکان چه هولناک است! این نیست مگر خانه خدا، و این است دروازه آسمان.» و یعقوب بامدادان برخاست، و سنگی را که زیر سر خود نهاده بود برگرفت، و آن را برای ستونی برپا داشت، و بر سر آن روغن ریخت. و نام آن مکان را بیت‌ئیل خواند؛ لیکن نام آن شهر در ابتدا لوز بود. پیدایش 17:28-19.

واژه «بیت‌ئیل» به معنای خانه خداست، و صور شادمان است از اینکه کلیسای لائودیکیه‌ای ادونتیست روز هفتم را وادار ساخته است که اجرای اجباری پرستش خورشید را بپذیرد. اما با وجود این جشن گمراهانه آنان که پرستش خورشید را به اجبار اجرا می‌کنند، خدا به واسطه حزقیال اعلام می‌دارد که: «ای صور، اینک من بر ضد تو هستم، و امت‌های بسیار را بر تو خواهم آورد، چنان‌که دریا موج‌های خود را برمی‌آورد. و ایشان حصارهای صور را منهدم خواهند کرد و برج‌هایش را فرو خواهند ریخت.» «حصارهای صور» نمایانگر حفاظت صور هستند. «حصار» نماد ده فرمان است.

«نبی در اینجا قومی را توصیف می‌کند که در زمانی از ارتداد عمومی از حقیقت و عدالت، در پی آن‌اند که اصولی را که بنیاد پادشاهی خداست، بازسازی کنند. ایشان مرمت‌کنندگان شکافی هستند که در شریعت خدا پدید آمده است—آن دیواری که او برای محافظت برگزیدگان خویش پیرامون ایشان قرار داده است، و اطاعت از احکام آن در باب عدالت، حقیقت و طهارت، باید همواره حافظ و صیانت‌کننده ایشان باشد.» انبیا و پادشاهان، 677.

شریعت خدا دیوار محافظت است؛ اما «دیوارها» در صیغه جمع، نمایانگر آن دو اصلی است که صور را—که نماد شاخ جمهوری‌خواه ایالات متحده است—«محفوظ» داشت و موجب رفاه و کامیابی آن شد.

«و او دو شاخ مانند برّه داشت.» شاخ‌های برّه‌مانند، دلالت بر جوانی، بی‌گناهی، و ملایمت دارند، و به‌درستی نمایانگر خصلت ایالات متحده‌اند آنگاه که در سال 1798 به نبی به‌صورت «برآمدن» عرضه شد. در میان تبعیدیان مسیحی که نخست به آمریکا گریختند و در جست‌وجوی پناهگاهی از ستم شاهانه و تعصب کاهنانه بودند، بسیاری بودند که عزم کردند حکومتی را بر بنیاد گسترده آزادی مدنی و دینی برقرار سازند. دیدگاه‌های آنان در اعلامیه استقلال جای یافت، که آن حقیقت بزرگ را بیان می‌دارد که «همه انسان‌ها برابر آفریده شده‌اند» و به حق سلب‌ناپذیر «حیات، آزادی، و طلب سعادت» موهوب گشته‌اند. و قانون اساسی برای مردم حق خودحکومتی را تضمین

می‌کند، بدین‌گونه که نمایندگانی که با رأی مردم برگزیده می‌شوند، قوانین را وضع و اجرا کنند. آزادی ایمان دینی نیز عطا شد، به‌گونه‌ای که هر انسانی مجاز باشد خدا را مطابق با مقتضیات وجدان خویش عبادت کند. جمهوری‌خواهی و پروتستانیسم به اصول بنیادین این ملت بدل شدند. این اصول راز قدرت و کامیابی آن‌اند. ستم‌دیدگان و پایمال‌شدگان در سراسر عالم مسیحیت با علاقه و امید به این سرزمین روی آورده‌اند. میلیون‌ها تن در پی رسیدن به سواحل آن برآمده‌اند، و ایالات متحده به جایگاهی در میان نیرومندترین ملت‌های زمین برخاسته است. ...

«شاخ‌های بره‌مانند و آواز اژدهاگونه این نماد، به تناقضی آشکار میان دعاوی و کردار ملتی که بدین‌سان نمایانده شده است، اشاره دارد. «سخن گفتن» آن ملت، عبارت است از عملکرد مقامات قانون‌گذاری و قضایی آن. آن ملت، به‌واسطه چنین عملکردی، اصول آزادی‌خواهانه و صلح‌جویانه‌ای را که به‌عنوان بنیاد سیاست خود مطرح ساخته است، تکذیب خواهد کرد. پیشگویی اینکه همچون «اژدها» سخن خواهد گفت و «تمام قدرت وحش نخستین» را به کار خواهد بست، به‌روشنی از رشد همان روح تعصب و آزار خبر می‌دهد که در ملت‌هایی که به‌وسیله اژدها و وحش پلنگ‌مانند نمایان شده‌اند، آشکار گردید. و این بیان که وحش دوشاخ «زمین و ساکنان آن را وامی‌دارد تا وحش نخستین را پرستش کنند» دلالت دارد بر اینکه اقتدار این ملت در تحمیل نوعی رعایت و التزام به کار گرفته خواهد شد که خود عملی از ادای احترام به پاپیت خواهد بود.»

«چنین اقدامی مستقیماً برخلاف اصول این حکومت، برخلاف سرشت نهادهای آزاد آن، برخلاف اظهارات صریح و رسمی اعلامیه استقلال، و برخلاف قانون اساسی خواهد بود. بنیان‌گذاران این ملت، با حکمت، کوشیدند در برابر به‌کارگیری قدرت دنیوی از سوی کلیسا، با نتیجه اجتناب‌ناپذیر آن—یعنی عدم تساهل و آزار و جفا—سدی برپا کنند. قانون اساسی مقرر می‌دارد که «کنگره هیچ قانونی درباره تأسیس یک دین وضع نخواهد کرد، یا آزادی اجرای آن را منع نخواهد نمود»، و این که «هیچ آزمون مذهبی هرگز به‌عنوان شرط احراز هیچ منصب یا امانت عمومی تحت حکومت ایالات متحده مطالبه نخواهد شد.» تنها با نقض آشکار این تضمین‌های آزادی ملت است که هرگونه مراسم مذهبی می‌تواند به‌وسیله اقتدار مدنی تحمیل شود. اما ناسازگاری چنین اقدامی از آنچه در این نماد به تصویر کشیده شده، بیشتر نیست. این همان وحشی است با شاخ‌هایی چون بره—که در ادعا پاک، ملایم، و بی‌آزار است—اما همچون اژدها سخن می‌گوید.»
نبرد عظیم، ۴۴۱، ۴۴۲.

بنیاد ایالات متحده با «اعلامیه استقلال» و «قانون اساسی» نمایانده می‌شود که به‌ترتیب نماینده پروتستانیسم و جمهوری‌خواهی هستند. «دیوارهای» حفاظت و کامیابی، جمهوری‌خواهی و پروتستانیسم‌اند، و در هنگام قانون یکشنبه، اصول هر دو «اعلامیه استقلال» و «قانون اساسی» واژگون می‌شوند، زیرا نبوکدنصر «منجیق‌های جنگی بر ضد دیوارهایت برپا خواهد کرد، و با تبرهای خود برج‌هایت را فرو خواهد ریخت.»

در هنگام قانون یکشنبه، همه «برج‌ها» فرو ریخته می‌شوند، و برج نماد کلیسای است که فلسفه بنیادی آن با تلاشی از سوی انسان برای نجات خویشتن نمایان می‌گردد. درباره نمرود، آن یاغی بزرگ، و برج او، در انبیا و پادشاهان به ما چنین اطلاع داده شده است: «هنگامی که برج تا اندازه‌ای تکمیل شده بود، بخشی از آن به‌عنوان محل سکونت سازندگان اشغال شد؛ حجره‌های دیگر که به‌گونه‌ای باشکوه آراسته و مزین شده بودند، به بت‌های ایشان اختصاص یافته بود. مردم از کامیابی خویش شادمان شدند، و خدایان سیم و زر را ستودند، و خود را در برابر فرمانروای آسمان و زمین برانگیختند.» در هنگام قانون یکشنبه، صور از این‌که اورشلیم سرنگون شده است شادی می‌کند، اما ارتداد ملی با ویرانی ملی در پی خواهد آمد، و پادشاه شمال آنگاه دیوارها و برج‌های ایالات متحده را سرنگون خواهد ساخت.

در مقالهٔ بعدی، بررسی شش تاریخ اورشلیم در کتاب حزقیال را آغاز خواهیم کرد.